

قربانی‌شناسی و مطبوعات (تحلیل بازنمایی حوزه قربانی‌شناسی مرتبط با اخبار حوادث روزنامه همشهری از دیدگاه جامعه‌شناختی)

تاریخ دریافت: ۹۰/۷/۱۱

سهیلا صادقی فسایی^۱

تاریخ پذیرش: ۹۰/۹/۲۷

احسان امینیان^۲

چکیده

در چشم اندازی کلی، این مقاله درباره قربانی‌شناسی و زوایای جامعه‌شناختی آن است. فرض اساسی این مقاله آن است که قربانی‌شناسی حوزه‌ای بسیار مهم و در عین حال مغفول در جرم‌شناسی است. در میان انواع گوناگون حوزه‌های تحلیل قربانیان جرایم، این مقاله به طور مشخص به تحلیل بازنمایی حوزه قربانی‌شناسی در رسانه پرداخته است. برای نیل به این هدف، این پژوهش با اتخاذ یک رویکرد نظری تلفیقی در بسترهای گوناگون قربانی‌شناسی (به ویژه رویکرد قربانی‌شناسی پوزیتیویستی) و یک رویکرد روش‌شناختی کمی و با استفاده از تکنیک تحلیل محتوا، ۲۰۰ خبر از اخبار حوادث روزنامه همشهری در ۶ ماهه اول سال ۱۳۸۹ را به صورت نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک انتخاب و بررسی کرده است. یافته‌ها و نتایج این پژوهش، نشان می‌دهند که بیشتر قربانیان، مردان جوان متأهل، دارای پایگاه اقتصادی متوسط و نیز از نوع قربانیان بیگناه بوده‌اند. در حالی که زنان قربانی در بیشتر موارد، مجرد بوده‌اند، از حیث گروه‌های سنی، قربانیان خردسال و از حیث پایگاه اقتصادی، قربانیان دارای پایگاه اقتصادی پایین، در بیشتر موارد قربانی جرایم خشن شده‌اند. با این همه روزنامه همشهری طبقه بالا و نیز متوسط اقتصادی را به عنوان عمده‌ترین گروه قربانی، معرفی کرده است. نتایج این پژوهش، هم‌چنین مؤید آن است که در بیش از $\frac{1}{2}$ موارد، قربانی شدن قربانیان توسط شاهدان و دیگر مردم کشف و گزارش شده است و در موارد بسیار معدودی خود قربانیان، قربانی شدنشان را اظهار کرده‌اند. در بحث بازتاب رسانه‌ای جرم، مشخص شد که در این روزنامه، بزه‌دیدگی رده سنی نوجوان بازتاب داده نشده و نیز بسیاری از ویژگی‌های زمینه‌ای قربانیان مانند وضعیت تأهل و یا پایگاه اقتصادی نامشخص است.

واژگان کلیدی: قربانی‌شناسی / قربانی / مجرم / بازتاب رسانه‌ای جرم / اهداف مناسب / تحلیل محتوای کمی.

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه تهران.

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد پژوهش دانشگاه تهران.

مقدمه

مفهوم قربانی برخلاف مفهوم مجرم، اخیراً مورد توجه جرم‌شناسی^۱ قرار گرفته است. هدف از طرح نظریه‌های گوناگون جرم‌شناسی تا سالیان اخیر، تبیین رفتار مجرم و یا کنترل رفتار او بوده و در این میان، قربانی جایگاهی نداشته است. توجه به قربانی به پیدایش نظام نظری منجر شد که امروزه با عنوان قربانی‌شناسی^۲ از آن یاد می‌شود. قربانی‌شناسی شاخه‌ای نوین از جرم‌شناسی است که به مطالعه زیان‌دیده مستقیم جرم می‌پردازد و مجموعه اطلاعات زیست‌شناختی، روان‌شناختی، جامعه‌شناختی و جرم‌شناختی مربوط به او را مشخص می‌کند. این گرایش هم‌چنین مشخصات فرهنگی- اجتماعی بزه‌دیده و روابط او را با مجرم و سهم وی را در ارتکاب جرم تعیین می‌کند- (لپز و فیلیزولا، ۱۳۷۹ به نقل از سفرچی، ۱۳۸۷: ۲۲). قربانی نیز شخصی است که به دلیل وقوع یک جرم، به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق مالی خود دچار شده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۱۶).

درحوزه مطالعات جرم‌شناسی در ایران، تمرکز اصلی بر روی مجرمان و ویژگی‌های آنان و هم‌چنین علل و نحوه‌ی وقوع جرم است و اساساً نگاهی جرم‌محور بر این حوزه حاکم است به گونه‌ای که قربانیان جرایم، همواره حوزه مغفول مانده جرم‌شناسی قلمداد می‌شوند. در فضای رسانه‌ای و عمومی جامعه نیز این مجرمان و جرایم هستند که مورد توجه قرار می‌گیرند؛ رسانه‌ها درباره‌ی آنها اطلاع‌رسانی می‌کنند و اخبار جرایم در صدر اخبار حوادث روزنامه‌ها و دیگر رسانه‌های جمعی قرار می‌گیرد، در حالی که به کسانی که از جرم متضرر شده‌اند توجهی نمی‌شود و ویژگی‌های قربانیان، تحلیل فرایند قربانی‌شدن و رابطه‌ی قربانیان و جرم‌نا دیده گرفته می‌شود. فون هنتینگ^۳ در کتاب «مجرم و قربانیان» به این نکته اشاره

1 - Criminology

2 - victimology

3 - Vonhenting

می‌کند: "در تعداد قابل توجهی از جرایم، قربانی‌ای را می‌بینیم که رضایت ضمنی از جرم داشته است؛ به گونه‌ای که با مجرم همکاری کرده و با او هم پیمان شده یا او را تحریک کرده است. بنابراین قربانی خود یکی از عناصر مسبب جرم است" (Vonhenting, 1948: 436).

فون هنتینگ تأکید می‌کند که قربانیان زیادی در قربانی‌شدن خود مشارکت می‌کنند، آن گونه که یا با برانگیختن و تحریک کردن مجرم و یا با پدیدآوردن و پروراندن موقعیتی که احتمالاً به ارتکاب جرم منجر می‌شود، زمینه قربانی‌شدن خود را فراهم می‌سازند. هر چند پیشگامان قربانی‌شناسی همواره متهم شده‌اند که آنان زمینه سرزنش قربانیان جرم را فراهم می‌سازند، اما بسیاری از آنها معتقدند که تبیین نقش قربانی در واقعه‌ی جرمی به معنای سرزنش قربانی نیست، بلکه هدف پیشگیری از قربانی‌شدن مضاعف است.

با وجود اهمیت موضوع، در حوزه تحقیقات داخلی فقط می‌توان به تحقیقی با موضوع "مطالعه قربانی‌شناختی قتل‌های سریالی پاکدشت" اشاره نمود که توسط زین‌العابدین سفرچی تیل در قالب پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در دانشگاه تهران در سال ۱۳۸۷، انجام شده است.^۱ این پایان‌نامه قتل‌های سریالی پاکدشت را از منظر قربانی‌شناختی بررسی کرده است. هدف اصلی این تحقیق، یافتن عوامل مؤثر بر شکل‌گیری و تسهیل فرایند قربانی‌شدن ۱۷ کودکی است که در فاصله ۱۸ ماه به قتل رسیده‌اند. در این تحقیق سه پارامتر عدم کنترل رسمی، کنترل غیررسمی و ویژگی‌های فردی قربانیان به عنوان عوامل مؤثر بر فرایند قربانی‌شدن مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این پژوهش بر اساس روش کیفی و با استفاده از تکنیک‌هایی همچون تحلیل اسناد و مدارک، تحلیل محتوا، مصاحبه و مشاهده صورت گرفته است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که عواملی از قبیل ضعف کنترل رسمی اعمال شده توسط نیروی انتظامی و قوه قضاییه، ضعف کنترل غیررسمی اعمال شده از طرف

۱. لازم به ذکر است که این پایان‌نامه به دلیل آن که تنها منبع پژوهشی موجود در داخل کشور است و نیز به دلیل ترجمه و به کارگیری بسیاری از حوزه‌های اصلی نظری و پژوهشی قربانی‌شناسی، در موارد بسیار، محل رجوع این نوشتار قرار گرفته و به آن استناد شده است.

خانواده‌ها، مدرسه و نهادهای محلی، ویژگی فردی قربانیان و محیط جغرافیایی مناسب، مهم‌ترین عواملی هستند که قربانی شدن ۱۷ کودک پسر ۹ تا ۱۷ سال را در این پرونده تبیین می‌کند.

مقاله‌ی حاضر نیز به عنوان یکی از نخستین پژوهش‌های قربانی‌شناسی در ایران است که به بررسی و تحلیل محتوای کمی اخبار حوادث روزنامه همشهری می‌پردازد، این مقاله در پی تحلیل شرایط مؤثر بر قربانی‌شدن، طبقه‌بندی و ساخت یک تیپولوژی از افراد قربانی و ارتباط آن با انواع جرم و دیگر متغیرهای زمینه‌ای و اجتماعی است تا از این رهگذر بتواند تصویر روشنی از قربانیان جرایم گوناگون و سنخ‌بندی این قربانیان به دست دهد و نیز روشن گرداند که روزنامه به عنوان یک رسانه‌ی فراگیر چه نوع جرایمی را می‌تواند پوشش خبری دهد و گستره پوشش خبری این حوزه در روزنامه به چه نحو و میزانی است.

تحلیل محتوای روزنامه‌ها در ایران به دلیل اثرگذاری این رسانه گروهی در جهت‌دهی افکار عمومی از اهمیت زیادی برخوردار است. از همین رو، در بحث بازتاب رسانه‌ای جرم بیان می‌شود که رسانه‌های گروهی از جمله روزنامه‌ها می‌توانند رویدادها و وقایعی را مهم جلوه داده و افکار عمومی را متوجه آن نمایند و یا برعکس، موضوعات مهم را فاقد ارزش و اعتبار نشان دهند. البته میزان اثربخشی رسانه بر مخاطب به عواملی چون سن، جنس، وضعیت اقتصادی و اجتماعی افراد بستگی دارد. به هر روی، رسانه‌های گروهی با انعکاس اخبار مربوط به جرایم، نگرش خاصی را به مردم القا کرده و چگونگی قضاوت و داوری آن‌ها را درباره‌ی جرم و عدالت کیفری سامان می‌بخشند. آنان با انتخاب موضوع و چگونگی انتقال این اطلاعات به مردم، نقش مؤثری در تعیین محدوده‌ی رفتارهای مجاز دارند. بدین ترتیب رسانه‌ها از یک سو می‌توانند موجب تشدید احساس ناامنی، ترویج بزهکاری و تشویق افراد مستعد به ارتکاب جرم گردند و از سوی دیگر با ایفای نقش اطلاع‌رسانی مسئولانه و ترویج الگوهای زندگی سالم می‌توانند در کاهش وقوع جرم و تأمین احساس امنیت و کاهش ترس از جرم، مؤثر باشند (فرجیها، ۱۳۸۵: ۸۵).

با این توصیف، نتایج این مقاله می‌تواند روشنگر این موضوع باشد که افراد با داشتن ویژگی‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی خاص احتمالاً قربانی چه نوعی از جرایم می‌شوند؟ و اینکه افراد، عامدانه و یا بدون هیچ نیّتی می‌توانند در وقوع یک جرم و قربانی شدن خود تأثیرگذار و یا حتی مقصّر باشند و سرانجام با روشن شدن این پرسش‌ها، از میزان وقوع جرایم احتمالی نیز کاسته می‌شود، در ضمن، نقاط قوت و ضعف رسانه‌ای اثرگذار همچون روزنامه در پوشش خبری جرایم مشخص می‌شود تا بتوان با جبران کاستی‌ها و غفلت‌های احتمالی در پرداختن به اخبار حوادث، تأثیرگذاری مطلوبی از سوی این رسانه‌ها بر روی افکار عمومی حاصل کرد.

مقوله‌ها و متغیرهای مورد استفاده در این مقاله بیشتر بر اساس قربانی‌شناسی پوزیتیویستی از جمله نظریات مندلسون درباره‌ی انواع قربانیان و نیز الگوگیری از مثلث عوامل جرم از منظر فلسون، شناسایی و مورد تحلیل قرار گرفته و در مرحله تحلیل داده‌ها، پیشینه نظری موضوع به عنوان چارچوب‌های ارجاعی مورد استناد قرار گرفته است. البته شناسایی برخی از مقوله‌های مورد تحلیل نیز در خلال مطالعه‌ی اخبار حوادث منعکس شده در روزنامه همشهری، صورت پذیرفته است.

پیشینه نظری

قربانی‌شناسی بر حسب موضوع مورد مطالعه در دو حوزه‌ی قربانی‌شناسی عمومی^۱ و قربانی‌شناسی کیفری^۲ جای می‌گیرد. قربانی‌شناسی کیفری فقط قربانیان جرایم کیفری را بررسی می‌کند و به شدت وابسته به جرم‌شناسی است. در مقابل قربانی‌شناسی عمومی به تمامی قربانیان پرداخته (قربانیان حوادث، قربانیان جامعه، قربانیان دولت و نهادهای وابسته به آن) توجه می‌کند و از این روی، قربانی‌شناسی چندمبنایی محسوب می‌شود. امروزه قربانی‌شناسان به ندرت به قربانی‌شناسی عمومی

1- Public victimology

2-Criminal victimology

رغبت نشان می‌دهند و اغلب ترجیح می‌دهند در زمینه بزه‌دیده‌شناسی کیفری فعالیت کنند (لیز و فیلیزولا، ۱۳۷۹: ۲۳).

قربانی‌شناسی کیفری نیز خود به دو حوزه قربانی‌شناسی جرم‌شناختی و قربانی‌شناسی حمایتی تفکیک می‌شود. قربانی‌شناسی جرم‌شناختی بیشتر به شرایط پیشینی تکوین جرم توجه دارد. در این قربانی‌شناسی بیان می‌شود که برای ارتکاب جرم، علاوه بر شخصیت بزهکار، نیاز به وجود پیش زمینه‌ای است که بزهکار با قرار گرفتن در آن اوضاع و احوال (که اصطلاحاً به آن، وضعیت پیش‌جنایی گفته می‌شود) در آستانه ارتکاب جرم قرار می‌گیرد. به این ترتیب بزه‌دیده، یکی از ارکان وضعیت پیش‌جنایی است که در تصمیم‌گیری بزهکار برای ارتکاب جرم، ایفای نقش می‌کند. هدف اصلی این قربانی‌شناسی، تشخیص آماج جرم و حمایت از قربانیان بالقوه در برابر جرم است. در مقابل قربانی‌شناسی حمایتی به قربانیان بالفعل توجه دارد و هدف آن بهبود وضعیت قربانیان پس از قربانی شدن است.

با توجه به اینکه امروزه قربانی‌شناسی به عنوان یک رشته علمی به قربانی‌شناسی کیفری محدود می‌شود و حوزه‌های تخصصی این رشته در این زمینه فعالیت می‌کنند و با توجه به نگرش جامعه‌شناختی مسلط بر این مقاله، لازم است نظریه‌های قربانی‌شناسی جرم‌شناختی را بررسی نماییم.

قربانی‌شناسی پوزیتیویستی^۱

فون‌هنتینگ را می‌توان پایه‌گذار قربانی‌شناسی پوزیتیویستی دانست که از این قربانی‌شناسی به عنوان قربانی‌شناسی محافظه‌کارانه (Karmen, 1990)، قربانی‌شناسی سنتی (Walklate, 1989)، قربانی‌شناسی کیفری و قربانی‌شناسی تعامل‌گرا هم یاد شده است. قربانی‌شناسی پوزیتیویستی به کشف عواملی می‌پردازد که بر یک الگوی غیرتصادفی از اذیت و آزار تأثیر می‌گذارد و این موضوع را بررسی می‌کند که قربانیان چگونه مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرند؛ هم‌چنین بر جرایم

خشونت‌آمیز بین فردی تأکید می‌ورزد (همان). فون هنتینگ نخستین کسی بود که تعدادی از عواملی که سبب قربانی شدن فرد می‌شوند را شناسایی کرد. از کارهای دیگر در سنت پوزیتیویستی می‌توان به تحقیقات ولفگانگ (Wolfgang, 1958) و امیر (Amir, 1971) اشاره کرد. آنها این روند را با توسعه مفهوم "تسریع قربانی"^۱ ادامه دادند که تأکید می‌کرد: شخص قربانی، باعث تسریع و شتاب اذیت و آزار وارده می‌شود. امیر نیز معتقد بود زمانی که قربانی و متجاوز رو در روی هم قرار گیرند، فرایندی شکل می‌گیرد که در آن رفتار قربانی و موقعیت مربوط به این ملاقات، تعیین کننده نوع رویدادهایی خواهند بود که منجر به جنایت می‌شود.

سبک زندگی و فعالیت‌های روزمره هم بخشی از سنت پوزیتیویستی‌اند که به این امر می‌پردازند. این رویکردها به شکل مستقیم به انگیزه مجرم نمی‌پردازند، بلکه بر هم‌گرایی زمانی و مکانی بین مهاجم و قربانی و اینکه این هم‌گرایی چگونه بر جرم صورت گرفته اثرگذار است، تأکید می‌کنند (Gottfredson, 1981) به نقل از Spalek, 2006). این بحث توسط گاتفردسون (۱۹۸۱ م) مطرح شده که تفاوت‌ها در سبک زندگی و فعالیت‌های روزمره بر خطر قربانی شدن تأثیر دارد زیرا بر احتمال حاضر بودن در یک نقطه و زمان خاص مؤثر است و اینکه در تماس با فردی که بالقوه مهاجم است، قرار گیریم. میزان جنایت تحت تأثیر تقارن زمانی و مکانی حداقل سه عنصر اساسی است: مهاجمان دارای انگیزه، اهداف مناسب و عدم حضور مأموران قانونی که در برابر هر عمل خشونت‌آمیزی، می‌توانند دست به مقاومت بزنند (Cohen and Felson, ۱۹۷۹). این رویکرد تلاش دارد تا قربانی شدن را با توجه به عدم نظارت و سبک زندگی قربانی توضیح دهد.

فتاح (۲۰۰۰) تلاش کرده با تلفیق مدل‌های مختلف در یک نظام جامع تمام عواملی که به قربانی شدن مربوط می‌شوند را در ده طبقه گروه بندی کند که این طبقات به شرح زیر است:

۱) فرصت‌ها: که به شدت به ویژگی‌های اهداف بالقوه (افراد، خانواده‌ها و کسب و کار) و به فعالیت‌ها و رفتارهای آنها مربوط می‌شود. ۲) عاملان ریسک: به خصوص مواردی که به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی - اجتماعی مربوط می‌شود. ۳) مجرم با انگیزه: مجرمان (حرفه‌ای و حتی غیرحرفه‌ای) قربانی خود را به صورت تصادفی انتخاب نمی‌کنند، بلکه آنها را با توجه به معیارهای مشخص انتخاب می‌کنند. ۴) در معرض‌گذاری: قرار گرفتن در معرض مجرمان بالقوه و موقعیت‌های پرخطر، خطر قربانی‌شدن به واسطه‌ی جرم را افزایش می‌دهد. ۵) همنشینی‌ها: خطر قربانی‌شدن در مورد افرادی که ارتباط شخصی، اجتماعی یا فردی با منحرفان و مجرمان بالقوه دارند بیشتر از کسانی است که فاقد این روابط هستند. ۶) زمان‌ها و مکان‌های خطرناک: از جمله زمان‌های خطرناک مثل عصرها، ساعات پایانی شب و آخر هفته‌ها را می‌توان نام برد و همچنین مکان‌های خطرناک مثل محل‌های تفریح عمومی وجود دارند که خطر قربانی‌شدن در این محل‌ها بیش از محل کار و منزل است. ۷) رفتار خطرناک: رفتارهایی مثل تحریک، خطر قربانی‌شدن در مقابل جرایم خشن را افزایش می‌دهد، در حالی که رفتارهای دیگری مثل غفلت و بی‌توجهی احتمال قربانی‌شدن اموال را افزایش می‌دهد. از جمله رفتارهای خطرناک دیگر که توانایی فرد برای دفاع از خود را کاهش می‌دهد سوار شدن در اتومبیل افراد ناشناس (اتواستاپ) است. ۸) فعالیت‌های خطرناک: رفتارهای لذت‌طلبانه که ممکن است شامل رفتارهای انحرافی غیرقانونی باشند از نوع فعالیت‌های خطرناک محسوب می‌شوند که احتمال قربانی‌شدن در آن بالا است. (مانند روسپی‌گری). ۹) رفتار دفاعی/اجتنابی (خطرپذیری): افرادی که گرایش به خطر دارند احتمال قربانی‌شدنشان بالا است و در مقابل، ترس از جرم عامل مؤثری در کاهش قربانی‌شدن است، برای مثال افراد سالمند که ترس بیشتری از جرایم دارند، کمتر قربانی جرایم می‌شوند چون آنها سعی می‌کنند با پذیرش محدودیت‌ها و اجتناب از موقعیت‌های پرخطر، خود را در امان نگه دارند. ۱۰) آمادگی ساختاری/فرهنگی: رابطه مثبتی بین ناتوانی، محرومیت و فراوانی قربانی‌شدن به واسطه جرم وجود دارد. بدنام‌سازی فرهنگی و به حاشیه

راندن، با نام‌گذاری گروه‌های مشخص به عنوان قربانی‌های مشروع فرهنگی، خطر قربانی‌شدن به واسطه جرم را بالا می‌برد. از جمله انتقادات به این رویکرد این است که رویکرد پوزیتیویستی بر روی شرایط قربانی‌شدن تأکید دارد و عمدتاً به دنبال راهبردهای کوتاه مدت و میان مدت است و از پرداختن به ساختارهای کلان و تغییرات بنیادین خودداری می‌کند.

قربانی‌شناسی رادیکال

دیدگاه‌های رادیکال در دو حوزه جرم‌شناسی و قربانی‌شناسی در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی نقش برجسته‌ای پیدا کردند. محققان دارای دیدگاه رادیکال توجه خود را بر شرایط ساختاری سرکوب‌گری متمرکز کرده‌اند که شمار زیادی از انسان‌ها را قربانی کرده است. در این دیدگاه، قربانی از لحاظ سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و زمینه‌ای مورد تحلیل واقع می‌شود. رویکرد رادیکال، فرد را قربانی شرایط نابرابر و ناعادلانه نظام اجتماعی دانسته و ساختارها را هدف حمله قرار می‌دهد (Spalek, 2006).

رنالیسم چپ

رویکرد رنالیسم چپ از دیدگاهی به جرم نگاه می‌کند که شامل تمرکز بر شخص متجاوز، حکومت، کنترل غیررسمی و قربانی می‌شود و بیشتر فرایند قربانی‌شدن را مورد بررسی قرار می‌دهد و نیز تلاش دارد تجربیات زنده افرادی را منتقل کند که در جوامع مورد تهدید جرم‌ها زندگی می‌کنند (Matthews and Young, ۱۹۹۲: ۴۳).

دیدگاه فمینیستی

دیدگاه فمینیستی باعث پررنگ شدن شکل‌های مختلف تجربه سوء استفاده جنسی در میان زنان شده که پیش از این تا حد زیادی مخفی بوده است، زیرا زنان در بسیاری از موارد از گزارش جرم و خشونت‌هایی که علیه آنها صورت می‌گرفت به پلیس

امتناع می‌کردند، جرایمی که می‌تواند به شکل تجاوز، ضرب و شتم توسط شوهر یا توهین جنسی نمود پیدا کند (سفرچی، ۱۳۸۷: ۴۳).

عنصر مجزای دیگر که در کارهای فمینیستی به چشم می‌خورد، تمرکز بر عاملیت زنان است. به عبارت دیگر، توجه به این نکته که زنان چگونه از زندگی خود در برابر خشونت محافظت کرده و آن را مدیریت می‌کنند. در این نگاه زنان تنها قربانیانی نیستند که بر روی آنها اعمال خشونت می‌شوند بلکه کسانی‌اند که برای بهبود شرایط ظاهری زندگی‌شان به شکل فعال مبارزه می‌کنند و تلاش دارند تا صدمات ناشی از خطرات فیزیکی و جنسی را کاهش دهند. شاید به همین دلیل است که محققان فمینیست استفاده از واژه قربانی را زیر سؤال می‌برند زیرا این واژه به نوعی حالت انفعال را به ذهن می‌آورد و حال آنکه زنان زیادی را می‌توان دید که زندگی خود را چه از حیث عاطفی، روانی و جسمانی از نو ساخته‌اند و از این رو با استفاده از کلمه بقایافته به جای قربانی می‌توان برای کار زنان ارزش و احترام قائل شد (همان).

قربانی‌شناسی انتقادی^۱

قربانی‌شناسی انتقادی، واکنش به مشکلات و ایراداتی بود که در رویکرد پوزیتیویستی و رادیکال به چشم می‌خورد. قربانی‌شناسی انتقادی به دنبال تحلیل نظری روابط پیچیده میان عامل و ساختار است و در پی پاسخ به این سؤال است که عمل فردی چگونه شکل می‌گیرد و در شرایط مادی خاص بازسازی می‌شود (Walklate, 1992 به نقل از همان). در این میان، آنچه که اهمیت دارد، بررسی تجربی است تا فرایندهای ساختاری که پیش‌زمینه این فعالیت را شکل داده‌اند و نیز نتایج قصد شده و قصد نشده کنش که ممکن است باعث تغییر شرایط مرتبط به کنش شوند را مدنظر قرار دهد و به بررسی "فرایندهایی بپردازند که دور از چشم ما روی می‌دهند" (Mawby and Walkate ۱۹: ۱۹۹۴، به نقل از Spalek, 2006).

در مجموع، این مقاله با وام‌گیری از مفهوم‌پردازی‌های قربانی‌شناسی پوزیتویستی و جهت‌گیری‌های فکری دیگر در جرم‌شناسی و قربانی‌شناسی همچنین بر اساس بازنگری در پیشینه پژوهشی در پی پاسخ به سؤالات و فرضیه‌های پژوهشی زیر است:

۱. به نظر می‌رسد که مردان در دوران تجرد، بیشتر قربانی جرایم می‌شوند.
۲. به نظر می‌رسد که زنان در دوران تجرد، بیشتر قربانی جرایم می‌شوند.
۳. به نظر می‌رسد که در حوزه بازتاب رسانه‌ای جرم، روزنامه همشهری، گروه‌های متوسط و بالای اقتصادی را به عنوان مهم‌ترین گروه قربانیان جرایم نشان می‌دهد.
۴. فرض بر این است که گروه سنی خردسال بیش از دیگر گروه‌های سنی، قربانی جرایم خشن (جرایم علیه اشخاص و جرایم جنسی) می‌شود.
۵. به نظر می‌رسد قربانیان دارای پایگاه اقتصادی پایین، در بیشتر موارد قربانی جرایم خشن (جرایم علیه اشخاص و جرایم جنسی) می‌شوند.
۶. فرض بر این است که قربانیان مقصر، در بیشتر موارد قربانی شدن خود را افشا نکرده و این‌گونه موارد توسط دیگر افراد و یا شاهدان کشف و گزارش شده است.

روش تحقیق

روش تحقیق، روش کمی است و برای اندازه‌گیری و جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز از تکنیک تحلیل محتوای کمی^۱ استفاده شده است. تحلیل محتوای کمی، روش توصیف عینی، کمی و قاعده‌مند برای محتوای آشکار ارتباطات است (رایف، لیسی، و فیکو^۲، ۱۳۸۱: ۲۴) و آزمونی است نظام‌مند و تکرارپذیر برای نمادهای ارتباطی، که در طی آن ارزش‌های عددی بر اساس قوانین معتبر اندازه‌گیری به متن نسبت داده می‌شود و سپس با استفاده از روش‌های آماری، روابط بین آن ارزش‌ها تحلیل می‌شود (همان: ۲۵). با توجه به اینکه این مقاله در پی مطالعه عوامل مؤثر بر قربانی شدن در جرایم و نحوه‌ی بازتاب آن در روزنامه است، و متغیرهای مورد بررسی در سطح فرد تحلیل

1-Quantitative content analysis

2 -Riffe, Daniel, Stephen Lacy, and Frederick G. Fico

شده‌اند و نتایج نیز در همین سطح توصیف و تحلیل شده، واحد تحلیل این پژوهش "فرد" است. در مرحله آنالیز کمی داده‌ها، ابتدا با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS، ورود داده‌ها انجام شده و بعد از انجام آزمون‌های آماری، رابطه بین متغیرهای پژوهش مورد بررسی و آنالیز قرار گرفته است. همچنین، جهت ساختن شاخص‌هایی که تا حد امکان بتوانند متغیرهای مورد بررسی را اندازه بگیرند، علاوه بر مشاوره با برخی از صاحب‌نظران و پژوهشگران (تأمین نوعی اعتبار صوری)، از پژوهش‌های نظری و تجربی پیشین نیز بهره گرفته شده است.

جامعه آماری این تحقیق را اخبار حوادث روزنامه همشهری در ۶ ماه اول سال ۱۳۸۹ تشکیل می‌دهد (شماره روزنامه). از جمله دلایل انتخاب این روزنامه به عنوان جامعه آماری می‌توان به سابقه زیاد و انتشار بدون وقفه آن، پوشش خبری نسبتاً کامل در حوزه شهری، حوادث و مسائل اجتماعی، توزیع گسترده و تیراژ چاپ بالای این روزنامه (نزدیک به ۵۰۰ هزار نسخه در روز)، اشاره کرد که می‌تواند اثرگذاری زیادی بر افکار عمومی در حوزه جرایم داشته باشد.

از بین ۱۴۳ شماره روزنامه، ۶۵ شماره با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی سیستماتیک به عنوان نمونه انتخاب شده است. لازم به ذکر است که در میان شماره‌های منتخب روزنامه، خبرهایی انتخاب شده‌اند که ویژگی‌های مربوط به مجرمان و قربانیان در آن مشخص بوده‌اند تا بتوان به یک تحلیل جامع و دقیق دست یافت. با توجه به این موضوع و نیز رسیدن به حد اشباع در داده‌ها، در انتها ۲۰۰ خبر به عنوان نمونه انتخاب گردیده است. برای ارزیابی کیفیت اندازه‌گیری در این مطالعه از اعتبار محتوایی (به طور مشخص، اعتبار صوری) استفاده شده است. در ادامه تعریف نظری و عملیاتی برخی از متغیرهای عمده تحقیق بیان شده است.

انواع جرایم: ۱: جرایم علیه اشخاص (قتل، خشونت‌های فردی و زورگیری و آدم‌ربایی). ۲: جرایم علیه اموال (سرقت مسلحانه، خانه‌زنی، سرقت ماشین، کیف‌قاپی و جیب‌بری و کلاهبرداری). ۳: جرایم جنسی (تجاوز به عنف و آزار و اذیت جنسی).

نوع قربانی: این متغیر به سه طبقه تقسیم می‌شود: (۱) قربانی مساعد: به قربانی اطلاق می‌شود که فرد قربانی با رفتار، گفتار، حرکات و طرز لباس پوشیدن خاصی و یا ظاهر شدن در مکان و یا زمان نامناسبی، از خود هدف مناسبی برای مجرم می‌سازد. (۲) قربانی بیگناه: به قربانی اطلاق می‌شود که به صورت ناخودآگاه هدف تعرض مجرم قرار می‌گیرد. (۳) قربانی مقصر: به قربانی اطلاق می‌شود که با انجام رفتارهای خطرناک مانند تحریک کردن مجرم، خطر قربانی شدن خود را افزایش می‌دهد. از دیگر متغیرها می‌توان به سابقه جرم، نحوه کشف جرم، محل وقوع جرم و میزان آشنایی قبلی مجرم و قربانی اشاره نمود.

متغیرهای زمینه‌ای: بیشتر خصوصیات جمعیت‌شناختی نمونه برای پی‌بردن به تفاوت الگوها را خرده گروه‌های مختلف آشکار می‌سازد که شامل: جنس، سن، وضعیت تأهل مجرم و قربانی است.

یافته‌ها و نتایج پژوهش

نتایج و یافته‌های آنالیز یک‌متغیره^۱ حوزه قربانی‌شناسی

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی متغیرهای حوزه قربانی‌شناختی

متغیر	طبقات	فراوانی	درصد	حجم نمونه
جنس قربانی	مرد	۱۴۲	۷۱	۲۰۰
	زن	۵۸	۲۹	
سن قربانی	خردسال	۱۴	۷	۲۰۰
	جوان ^۲	۱۱۳	۵۶.۵	
	میانسال	۶۱	۳۰.۵	
	کهنسال	۱۲	۶	
وضعیت تأهل قربانی	مجرد	۶۲	۳۱	۲۰۰
	متأهل	۹۵	۴۷.۵	
	بیوه	۵	۲.۵	
	نامشخص	۳۸	۱۹	

1 - Univariate

۲- متأسفانه تشخیص گروه سنی در روزنامه‌ها امکان‌پذیر نیست. در روزنامه صرفاً از واژه‌هایی نظیر جوان و بزرگسال استفاده شده است، اما می‌توان حدس زد که گروه سنی جوان، عمدتاً از ۱۸ سال تا ۲۷ سال را تشکیل می‌دهد.

۲۰۰	۱۴	۲۸	پایین	پایگاه اقتصادی قربانی ^۱
	۵۲.۵	۱۰۵	متوسط	
	۲۸	۵۶	بالا	
	۵.۵	۱۱	نامشخص	
۲۰۰	۲۷.۵	۵۵	مساعد	نوع قربانی
	۶۷	۱۳۴	بیگناه	
	۵.۵	۱۱	مقصر	
۲۰۰	۴	۸	بستگان درجه یک	میزان آشنایی مجرم و قربانی
	۲	۴	فامیل	
	۱۷	۳۴	دوست و دیگر افراد آشنا	
	۷۷	۱۵۴	ناآشنا	

با توجه به یافته‌های توصیفی جدول شماره ۱ مشخص شد که حدود ۷۰ درصد از قربانیان جرایم مورد بررسی، مرد بوده و تنها یک پنجم از قربانیان را زنان تشکیل می‌دهند و نیز بیش از یک دوم قربانیان، جوان هستند. احتمالاً دلیل این موارد این است که مردان و نیز افراد جوان، نسبت به دیگر گروه‌های جنسی و سنی به علت سبک زندگی و حوزه‌های فعالیت روزانه، بیشتر در معرض قربانی شدن قرار می‌گیرند. به عنوان مثال مردان نسبت به زنان در طول یک روز به دفعات بیشتری در انواع مکان‌های عمومی خلوت و یا شلوغ تردد می‌کنند و نیز به علت خصوصیات مردانه، رفتار محافظه‌کارانه کمتری از خود بروز داده و در فضاهایی با ریسک بالا نیز خود را قرار می‌دهند و همین امر احتمال قربانی شدن این گروه‌های سنی و جنسی را نسبت به دیگر گروه‌ها بالاتر می‌برد. از لحاظ پایگاه اقتصادی بیشتر قربانیان دارای پایگاه متوسط اقتصادی بوده (حدود ۵۳ درصد) و افراد دارای پایگاه اقتصادی بالا در رتبه دوم قرار دارند (۲۸ درصد) و این به معنای تأیید یکی از فرضیات عمده پژوهش است. در واقع با توجه به اینکه بیشتر مجرمان جرایم، دارای پایگاه اقتصادی پایین

۱- برای مشخص کردن پایگاه اقتصادی مجرمان و قربانیان از متغیرهایی مثل شغل فرد، محل زندگی، میزان درآمد، نوع منزل مسکونی (اجاره‌ای، شخصی) و نوع ماشین شخصی سود جسته شده است. زیرا این متغیر مهم در اخبار مربوط به جرایم به وضوح و به طور مستقیم بیان نشده است.

بودند (با فراوانی ۵۷ درصد، که از ذکر جدول مربوطه خودداری شده است)، این تحلیل را می‌توان بیان کرد که روزنامه‌ها در بسیاری موارد جرایم طبقه پایین اقتصادی را بیان می‌کنند و آن را خطری بزرگ برای طبقات متوسط و بالای اقتصادی نشان می‌دهند که احتمال قربانی شدن این دو طبقه (متوسط و بالا) را بسیار بالا نشان می‌دهد. با این شیوه خبررسانی است که به نوعی خواندن صفحات حواث و اخبار مربوط به جرایم برای افراد دارای اهمیت می‌شود و البته تأثیر غیرمستقیم این شیوه افزایش جرم‌انگاری نسبت به گروه‌های دارای پایگاه اقتصادی پایین جامعه نیز هست. درباره نوع قربانیان جرایم نیز می‌توان بیان کرد که بیش از ۱/۲ قربانیان، بیگناه بوده و نزدیک به ۲۸ درصد از قربانیان نقشی مساعد در بزه‌دیدگی خود داشته‌اند و نزدیک به ۶ درصد نیز در قربانی شدن خود مقصر بوده و به نوعی با تحریک مجرم، بزه‌دیدگی خود را رقم زده‌اند.

نتایج و یافته‌های آنالیز دومتغیره حوزه قربانی‌شناسی

جدول شماره ۲: رابطه‌ی متغیر جنس قربانی با وضعیت تأهل قربانی

همبستگی	جنس قربانی		وضعیت تأهل
	زن	مرد	قربانی
وی کرامر = ۰.۴۳	۵۸.۶	۱۹.۷	مجرد
	۱۹	۵۹.۲	متأهل
	۵.۲	۱.۴	بیوه
	%۱۰۰	%۱۰۰	مجموع

با توجه به جدول شماره ۲ و نیز در رد فرضیه اول تحقیق، مشخص شد که بیش از ۱/۲ قربانیان مرد، متأهل و تنها ۱۹ درصد از آنها مجرد هستند و نیز در راستای تأیید فرضیه دوم درباره زنان قربانی مشخص شد که این زنان، در حدود ۵۹ درصد از موارد مجرد بوده‌اند. آماره وی کرامر نیز با مقدار ۰.۴۳ نشان دهنده رابطه تقریباً متوسط بین دو متغیر فوق است. باید بیان داشت که ازدواج تأثیر اساسی بر سبک

زندگی زنان و مردان می‌گذارد به گونه‌ای که زمینه‌ها و مجموعه‌های اجتماعی که افراد در آن قرار می‌گیرند پس از ازدواج کاملاً متفاوت می‌گردد. زنان با ازدواج عهده‌دار نقش‌های مراقبتی می‌گردند و از سبک زندگی خطرآفرین اجتناب می‌نمایند. به لحاظ نظری انتظار می‌رود که مردان متأهل نیز در مقایسه با مردان مجرد کمتر قربانی جرایم واقع شوند، اما نتایج این تحقیق در مورد مردان معکوس است. به این معنا که مردان متأهل بیشتر از مردان مجرد قربانی جرایم واقع شده‌اند. اگر رابطه‌ی نوع جرم و قربانی شدن را در نظر بگیریم، نتیجه حاصل قابل فهم خواهد شد، به این معنا که مردان متأهل در این پژوهش بیشتر قربانی جرایم علیه‌اموال بوده‌اند (ر. ک جدول شماره ۷) و این شاید به این دلیل است که مردان متأهل بر حسب مسئولیت‌های خانوادگی و عهده‌داری نقش سرپرستی سعی دارند که درآمد خانواده را تأمین کنند، لذا در معاملات مختلفی شرکت می‌جویند که بعضاً این معاملات می‌تواند به ضرر و زیان علیه آنها منجر شود.

جدول شماره ۳: رابطه‌ی متغیر جنس قربانی با دسته بندی جرایم

همبستگی	جنس قربانی %		دسته بندی جرایم %
	زن	مرد	
وی کرامر = ۰.۳۴	۳۷.۹	۴۵.۱	جرایم علیه اشخاص
	۴۶.۶	۵۴.۹	جرایم علیه اموال
	۱۵.۵	۰	جرایم جنسی
	%۱۰۰	%۱۰۰	مجموع

جدول شماره ۳ نشان دهنده این امر است که هر دو جنس مرد و زن، بیشتر قربانی جرایم علیه اموال شده‌اند، البته زنان در ۱۵.۵ درصد موارد نیز قربانی جرایم جنسی بوده که این رقم برای مردان صفر است، حتی خردسالان مذکوری که در ۳.۵ درصد موارد قربانی شده‌اند هیچ‌کدام در دسته جرایم جنسی قرار ندارد. این ارقام نشان

دهنده این مطلب است که این نوع جرایم بیشتر زنان را در معرض خطر و بزه‌دیدگی قرار می‌دهد.

جدول شماره ۴: رابطه‌ی متغیر سن قربانی با دسته‌بندی جرایم

همبستگی	سن قربانی				دسته‌بندی جرایم
	کهنسال	میانسال	جوان	خردسال	
وی کرامر = ۰.۲۶	۳۳.۳	۲۹.۵	۴۵.۱	۹۲.۹	علیه‌اشخاص
	۶۶.۷	۷۰.۵	۴۷.۸	۰	علیه‌اموال
	۰	۰	۷.۱	۷.۱	جنسی
	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	مجموع

رابطه میان سن و قربانی‌شدن مطالب زیادی را آشکار می‌سازد، بیش از $9/10$ خردسالان، قربانی جرایم علیه اشخاص شده‌اند و بقیه موارد نیز به عنوان قربانیان جرایم جنسی تلقی شده‌اند و این مطلب حکایت از این دارد که بچه‌ها معمولاً قربانیان بی‌گناهی هستند که می‌توانند هدف مناسبی برای بزهکاران تلقی شوند. از طرفی عدم وجود ناظران و غیبت کنترل‌های رسمی و غیررسمی می‌تواند خردسالان را تبدیل به آماج مناسبی برای بزهکاران کند. بر مبنای نتیجه فوق یکی دیگر از فرضیات عمده تحقیق درباره قربانی‌شدن رده سنی خردسال در حوزه جرایم خشن در بیشتر موارد، تأیید می‌شود. افراد میانسال در ۷۰ درصد موارد بیشتر قربانی جرایم علیه‌اموال شده‌اند.

جدول شماره ۵: رابطه‌ی متغیر سن قربانی با نوع قربانی

همبستگی	سن قربانی				نوع قربانی
	کهنسال	میانسال	جوان	خردسال	
وی کرامر = ۰.۱۸	۵۰	۱۸	۲۸.۳	۴۲.۹	مساعد
	۵۰	۸۰.۴	۶۲.۸	۵۷.۱	بیگناه
	۰	۱.۶	۸.۸	۰	مقصر
	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	مجموع

از دیگر داده‌های مربوط به متغیر سن قربانی با توجه به جدول فوق مشخص شد که حدود ۹ درصد از جوانان در قربانی شدن خود مقصر بوده‌اند که با تحریک مجرم خود را در معرض قربانی شدن قرار داده‌اند، درحالی که این رقم درباره خردسالان و کهنسالان صفر و برای میانسالان کمی بالای صفر است که این ارقام، مقصر بودن افراد در قربانی شدن را مختص گروه سنی جوان نشان می‌دهد.

جدول شماره ۶: رابطه‌ی متغیر پایگاه اقتصادی قربانی با دسته‌بندی جرایم

همبستگی	پایگاه اقتصادی قربانی				دسته‌بندی جرایم
	نامشخص	بالا	متوسط	پایین	
وی کرامر = ۰.۲۶	۵۴.۵	۲۳.۲	۴۴.۸	۷۱.۴	علیه‌اشخاص
	۴۵.۵	۷۶.۸	۴۸.۶	۲۱.۴	علیه‌اموال
	۰	۰	۶.۷	۷.۱	جنسی
	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	مجموع

رابطه فوق نشان می‌دهد که ۷۱ درصد قربانیان دارای پایگاه اقتصادی پایین، قربانی جرایم علیه‌اشخاص شده‌اند، اما بیشتر قربانیان دارای پایگاه اقتصادی متوسط (۴۹ درصد) و بالا (۷۷ درصد) قربانی جرایم علیه‌اموال شده‌اند و همه قربانیان جرایم جنسی نیز متعلق به دو پایگاه اقتصادی پایین و متوسط است. در واقع می‌توان چنین

استنتاج نمود که افراد دارای پایگاه اقتصادی متوسط و مخصوصاً افراد پایگاه اقتصادی بالا، به علت داشتن توان مالی بیشتر نسبت به افراد پایگاه اقتصادی پایین، بیشتر درگیر مبادلات و فعالیت‌های پولی هستند و از طرف دیگر با داشتن انباشت مناسبی از پول، به هدف و سوژه مناسبی برای بزه‌دیدگی در حوزه جرایم مالی تبدیل می‌شوند. اما افراد متعلق به پایگاه اقتصادی پایین کمتر به چنین هدف مناسبی برای قربانی شدن تبدیل می‌شوند زیرا به صورت محافظه‌کارانه درگیر روابط و معاملات پولی می‌شوند. از طرف دیگر همان‌طور که مشاهده کردیم بزه‌دیدگی از جرایم جنسی در افراد دارای پایگاه اقتصادی بالا، صفر است که نشان دهنده الگوی متفاوت زندگی این طبقه اقتصادی است که همراه با امنیت و حمایت و محافظت بیشتر است و به تبع داشتن انباشت سرمایه، نوع روابط بین فردی در این طبقه اقتصادی کاملاً تعریف شده و اغلب محافظه‌کارانه است. به این ترتیب یکی دیگر از فرضیات تحقیق تأیید می‌شود. نکته‌ی دیگر که باید به آن اشاره کرد این است که درصد بالایی از متغیر پایگاه اقتصادی قربانی، نامشخص بوده که در رابطه این متغیر با دسته‌بندی جرایم مشهود است و این از غفلت روزنامه‌ها در پرداختن به خصوصیات و شرایط قربانیان جرایم باز می‌گردد. این غفلت درباره متغیرهایی مانند وضعیت تأهل، سن و یا حتی جنسیت قربانی نیز وجود دارد که نشان دهنده حاکم بودن رویکرد جرم‌محور بر روزنامه‌ها است تا با پرداختن به نحوه رخداد جرم و خصوصیات مجرم، خوانندگان را بیشتر ترغیب و مجذوب کنند.

جدول شماره ۷: رابطه‌ی متغیر وضعیت تأهل قربانی با دسته‌بندی جرایم

همبستگی	وضعیت تأهل قربانی				دسته‌بندی جرایم
	نامشخص	بیوه	متأهل	مجرد	
وی کرامر = ۰.۲۵	۳۴.۲	۴۰	۳۷.۹	۵۶.۵	علیه‌اشخاص
	۶۳.۲	۶۰	۶۲.۱	۳۰.۶	علیه‌اموال
	۲.۶	۰	۰	۱۲.۹	جنسی
	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	مجموع

همان‌طور که در بحث رابطه وضعیت تأهل قربانی با دسته‌بندی انواع جرایم مشاهده می‌شود، بیشتر قربانیان مجرد، از جرایم علیه اشخاص بزه‌دیده‌اند (حدود ۵۷ درصد) و ۳۰ درصد از این گروه نیز قربانی جرایم علیه اموال شده‌اند در حالی که بیش از $\frac{3}{5}$ افراد متأهل، قربانی جرایم علیه اموال شده‌اند. نکته قابل توجه این است که افراد مجرد با فراوانی ۱۳ درصد تنها گروهی هستند که قربانی جرایم جنسی شده‌اند. طبق بیشتر تحقیقات انجام شده، مجردان بیشتر از متأهلان قربانی جرایم قرار می‌گیرند و یافته‌های این مقاله با نتایج متعارف کمی متفاوت به نظر می‌رسد اما از آنجا که بیشتر قربانیان مذکور، قربانی جرایم علیه اموال هستند، نتیجه به دست آمده به نظر غیرمتعارف نمی‌رسد و حال آنکه در مورد جرایم خشن، نتایج به دست آمده در راستای تحقیقات پیشین است.

جدول شماره ۸: رابطه‌ی متغیر نوع قربانی با متغیر محل وقوع جرم

همبستگی	نوع قربانی			محل وقوع جرم
	مقصر	بیگناه	مساعد	
وی کرامر = ۰.۲۷	۳۸.۱	۳۰.۲	۱۳.۵	عمومی/شلوغ
	۵۲.۴	۳۴.۲	۶۵.۵	عمومی/خلوت
	۹.۵	۳۵.۶	۲۱	مسکونی اداری- تجاری
	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	مجموع

ارقام مندرج در جدول فوق حاکی از آن است که بیش از $\frac{1}{2}$ قربانیان مساعد و نیز قربانیان مقصر در مکان‌های خلوت عمومی بزه دیده‌اند و به هدفی مناسب برای قربانی شدن تبدیل شده‌اند. اما درصدهای مربوط به قربانیان بی‌گناه نشان‌دهنده تنوع مکانی (در هر سه فضای مذکور) برای قربانی شدن این دسته از افراد است.

جدول شماره ۹: رابطه‌ی متغیر نوع قربانی با متغیر نحوه‌ی گزارش جرم

همبستگی	نوع قربانی			نحوه گزارش جرم
	مقصر	بیگناه	مساعد	
وی کرامر = ۰.۲۲	۴۵.۵	۷۲.۴	۶۳.۶	گزارش قربانی
	.	۱۷.۲	۱۸.۳	توسط پلیس
	۵۴.۵	۱۰.۴	۱۸.۱	شاهدان و دیگر مردم
	.	.	.	اتفاقی
	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	مجموع

جدول شماره ۹ نشان می‌دهد که ۶۴ درصد قربانیان مساعد و ۷۳ درصد از قربانیان بیگناه، خودشان بزه‌دیدگی و جرم اتفاق افتاده را گزارش کرده‌اند و یا پلیس را در جریان آن گذاشته‌اند اما در راستای تأیید آخرین فرضیه این مقاله مشخص شد که قربانیان مقصر در بیش از $1/2$ موارد قربانی شدنشان توسط شاهدان و دیگر مردم کشف و گزارش شده است و فقط ۴۵ درصد از قربانیان مقصر، خود گزارش جرم را داده‌اند و جالب اینکه در هیچ موردی پلیس این نوع از جرایم که قربانی در وقوع آن مقصر بوده را کشف نکرده است.

جدول شماره ۱۰: رابطه‌ی متغیر نوع قربانی با متغیر دسته‌بندی جرایم

همبستگی	نوع قربانی			دسته‌بندی جرایم
	مقصر	بیگناه	مساعد	
وی کرامر = ۰.۱۸	۸۱.۸	۳۸.۱	۴۷.۳	علیه اشخاص
	۱۸.۲	۵۹	۴۳.۶	علیه اموال
	.	۳	۹.۱	جنسی
	%۱۰۰	%۱۰۰	%۱۰۰	مجموع

با توجه به جدول شماره ۱۰ می‌توان بیان داشت که بیش از $1/2$ قربانیان مساعد و بیش از $4/5$ قربانیان مقصّر، قربانی جرایم علیه‌اشخاص شده‌اند اما ۶۰ درصد از قربانیان بیگناه از جرم علیه اموال متضرر شده‌اند. آمار جرایم جنسی نیز در بین قربانیان مساعد با حدود ۱۰ درصد از دیگر گروه‌های قربانی بالاتر است. البته شدت رابطه این دو متغیر ضعیف ارزیابی می‌شود.

در مجموع از تحلیل جداول (۹ و ۱۰)، می‌توان بیان داشت که قربانیان مقصّر به علت اینکه در بیشتر موارد (۷۳ درصد) با مجرم آشنا و یا فامیل بوده‌اند و نیز این احتمال برای این نوع قربانیان وجود دارد که با کشف جرم و به تبع آن قربانی شدن آنها، بخشی از علت وقوع جرم به گردن آنها می‌افتد و واکنش‌های غیررسمی از جانب خانواده و دیگر افراد و یا احتمالاً واکنش‌های رسمی دستگاه قضایی را به دنبال دارد، بزه‌دیده‌گی خود را آشکار نکرده و آن را بیان نمی‌کنند، افزون بر اینکه ۸۱ درصد از قربانیان مقصّر، قربانی جرم علیه‌اشخاص شده‌اند که از مصادیق رایج آن درگیری با دوستان، همکاران و فامیل بر سر مسائل مالی و یا شخصی است و یا جرایمی که خود در آن نقش مجرم را داشته‌اند و در یک خشونت بین فردی آسیب دیده‌اند، احتمال گزارش قربانی شدن توسط این دسته از قربانیان را ضعیف می‌کند به گونه‌ای که پلیس نیز در هیچ‌کدام از این موارد عامل کشف جرم نبوده است.

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی نهایی باید درباره مطالعات حوزه قربانی‌شناسی بیان داشت که مطالعات مربوط به قربانیان جرم، زمانی در حاشیه مطالعات جرم‌شناسی قرار داشت. اما امروزه به دلیل اهمیت به یکی از کانون‌های اصلی جرم‌شناسی تبدیل شده است. توجه به قربانیان جرم نه تنها به لحاظ سیاسی بلکه به لحاظ جرم‌شناختی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. بی‌تردید می‌توان گفت که تحقیقات بر روی قربانی شدن مهم‌ترین توسعه‌ای است که در جرم‌شناسی رخ داده است. این‌گونه تحقیقات که ابتدا در اواخر دهه ۱۹۶۰ در آمریکا انجام گرفت با انتخاب یک نمونه معرف از جمعیت، از

آنها سؤال می‌شد که در طول یک مدّت مشخص قربانی جرایم خاصی شده‌اند یا خیر؟ این‌گونه مطالعات نه تنها بصیرت عمیقی را در مورد انواع جرایم، نحوه قربانی شدن، خصوصیات و ویژگی قربانیان فراهم می‌کرد بلکه امکان مقایسه را در سال‌های مختلف فراهم می‌ساخت تا تجربیات آن‌ها، نیازهای شخصی قربانیان و پاسخ آن‌ها به قربانی شدن بررسی گردد.

اگرچه انجام این‌گونه مطالعات، در حوزه جرم‌شناسی تحوّل عظیمی ایجاد کرد و زمینه فهم و تبیین جرم و بسط و گسترش راهبردهای پیشگیری از جرم و جلوگیری از قربانی شدن مضاعف را فراهم ساخته، اما باید اذعان نمود که این‌گونه مطالعات دارای محدودیت‌های خاص خود می‌باشد. برای مثال در این‌گونه از مطالعات بسیاری از جرایم، خصوصاً آنهایی که در برگیرنده خشونت و یا آزارهای جنسی هستند، پنهان می‌ماند. معمولاً این‌گونه جرایم نه به پلیس گزارش می‌شود و نه به پرسشگران ارائه می‌گردد، خصوصاً در موارد جرمی که پای دوستان، آشنایان و یا بستگان در میان باشد. به عبارت دیگر، تمایل پاسخگو جهت افشای اطلاعات در مورد موضوعات حساسی چون آزار زنان، خشونت‌های خانگی، کودک‌آزاری و یا تجاوز جنسی کاهش می‌یابد. از طرفی باید به این نکته توجه داشت که اهمیت مطالعات قربانی‌شناختی به واسطه خطاهایی در یادآوری اتفاقات توسط حافظه، عدم تمایل به گزارش کردن، شک و تردید داشتن، غلو کردن و یا پنهان نمودن گاهی محدود می‌گردد. چارچوب‌های روش‌شناختی نیز می‌تواند محدودیت‌های را ایجاد کند، به این معنی که مطالعات قربانی‌شناسی به واسطه ابزار پیمایش و تأثیراتی که فرد مصاحبه‌گر می‌تواند داشته باشد، متغیر می‌گردد، از همین رو عدم انگیزه پرسشگر و یا طرح یک سؤال غلط می‌تواند به نتایج غلط منجر گردد. در نهایت باید به این نکته مهم اشاره کرد که این‌گونه مطالعات واقعیت جرمی را ارزیابی نمی‌کنند، بلکه صرفاً حالت ذهنی و عینی امنیت و عدم امنیت را از دید قربانیان بالقوه و بالفعل جرم، گزارش می‌کنند. علی‌رغم محدودیت‌های فوق، در این مقاله نتایج بسیار مهمی در راستای اهداف عمده تحقیق، درباره ابعاد قربانی شدن و شرایط مؤثر بر آن به دست آمده است.

به عنوان یک تیپولوژی، بیشتر قربانیان جرایم مورد بررسی، مرد (۷۱ درصد)، در رده سنی جوان (۵۶ درصد)، متأهل (۴۷.۵ درصد) و دارای پایگاه اقتصادی متوسط هستند (۵۲.۵ درصد)، لازم به ذکر است که قربانیان دارای پایگاه اقتصادی بالا با فراوانی ۲۸ درصد در رتبه بعدی قرار دارد. از کل فرضیه‌ها و سؤالات پژوهشی استخراج شده از مرور بدنه دانش و پیشینه پژوهشی، پنج فرضیه تأیید و یک فرضیه رد شد. روابط فوق نشان می‌دهد که روزنامه همشهری بیشتر به جرایمی می‌پردازد که قربانیان آن از پایگاه اقتصادی متوسط و بالا هستند و مجرمان پایگاه اقتصادی پایین (که بیشترین فراوانی ارتکاب جرم را داشتند) به عنوان خطری برای طبقات متوسط و بالا تلقی شده‌اند (وایت و هاینس، ۱۳۸۲: ۴۷) که این موید یکی از فرضیات عمده تحقیق درباره نشان دادن گروه‌های متوسط و بالای اقتصادی به عنوان مهم‌ترین گروه قربانیان توسط روزنامه است. با توجه به اینکه بیشتر قربانیان، متأهل بوده‌اند اولین فرضیه این مقاله تأیید می‌شود اما دومین فرضیه درباره زنان رد می‌شود، اما توضیح این نکته ضروری است که از آنجا که بیشتر قربانیان مذکور، قربانی جرایم علیه اموال هستند، نتیجه حاصل به نظر غیرمتعارف نمی‌رسد و حال آنکه در مورد جرایم خشن، نتایج حاصل در راستای تحقیقات پیشین است (ر. ک جدول شماره ۷).

در ادامه نتایج مشخص گردید ۱۰۰ درصد قربانیان رده سنی خردسال، قربانی جرایم خشن (جرایم علیه اشخاص و جرایم جنسی) شده‌اند که دلیل این امر احتمالاً این است که عدم وجود ناظران و غیبت کنترل‌های رسمی و غیررسمی می‌تواند خردسالان را تبدیل به آماج مناسبی برای بزهکاران کند. کوهن و فلسون نیز در این باره بیان می‌دارند که میزان جنایت تحت تأثیر تقارن زمانی و مکانی حداقل سه عنصر اساسی است: مهاجمان دارای انگیزه، اهداف مناسب و عدم حضور مأموران قانونی که در برابر هر عمل خشونت‌آمیزی، می‌توانند دست به مقاومت بزنند (Cohen and Felson, 1979 به نقل از همان). این امر سومین فرضیه عمده تحقیق را تأیید می‌کند. پایگاه اقتصادی قربانیان نیز نشان می‌دهد که افراد دارای سطح

پایین اقتصادی، بیشتر جرایم علیه اشخاص قربانی می‌شوند در حالی که هر دو گروه متوسط و بالای اقتصادی در اغلب موارد قربانی جرایم علیه اموال شده‌اند، جرایم جنسی نیز درباره افراد دارای پایگاه اقتصادی بالا صفر است که نشان دهنده تمایز سبک‌زندگی و نوع روابط محافظه‌کارانه و همراه با امنیت در این طبقه اقتصادی است، همان‌طور که گاتفردسون بیان می‌کند: تفاوت‌ها در سبک زندگی و فعالیت‌های روزمره بر ریسک قربانی‌شدن تأثیر دارد زیرا بر احتمال حاضر بودن در یک نقطه و زمان خاص مؤثر است و اینکه در تماس با فردی که بالقوه مهاجم است، قرار می‌گیریم (Gottfredson, 1981 به نقل از Spalek, 2006). در انتها نیز در راستای تأیید آخرین فرضیه، مشخص گردید که بیشتر قربانیان مقصر (۵۴.۵ درصد) قربانی شدن خود را گزارش نکرده‌اند و توسط شاهدان و دیگر مردم این جرایم آشکار شده است اما قربانیان بی‌گناه و مساعد در بیشتر موارد، خودشان جرم رخ داده را گزارش کرده‌اند. از دیگر موارد مغفول در بازتاب اخبار جرایم در روزنامه این است که بزه‌دیدگی رده سنی نوجوانان به هیچ‌وجه بازتاب نشده است؛ حتی در جرایم جنسی و علیه اشخاص نیز موردی از قربانی شدن افراد نوجوان دیده نمی‌شود. با این همه، به نظر می‌آید این گروه سنی با داشتن رفتارهایی ماجراجویانه و گاه پرخطر، در معرض بزه‌دیدگی بسیاری از جرایم قرار دارند.

در پایان لازم به ذکر است با توجه به اینکه دسترسی به آمارهای واقعی در حوزه جرایم وجود ندارد و به طور اخص درباره قربانیان جرایم آماری به طور رسمی گردآوری و منتشر نشده است، بنابراین در مورد انطباق آمار منعکس شده در روزنامه‌ها و آمار واقعی نمی‌توان هیچ ادعایی داشت. با فرض اینکه معمولاً روزنامه‌ها به جرایم خشن بیشتر از هر جرم دیگری می‌پردازند تا توجه مخاطبان را به خود جلب نمایند، می‌توان گفت که معمولاً در این باره بزرگنمایی و اغراق وجود دارد. به عنوان مثال بر مبنای تحقیقات انجام شده مشخص شده است که ۸۰ درصد اخبار حوادث روزنامه‌ها به جرایم خشن اختصاص می‌یابد و حال آنکه در واقعیت ۵ الی ۱۰

درصد از کل جرایم را جرایم خشن تشکیل می‌دهد (mike Maguire & others: 2007).

بیان این نکته نیز ضروری است که با توجه به اینکه حوزه بررسی این مقاله، صرفاً روزنامه همشهری بوده است، لذا در مورد سایر روزنامه‌ها هیچ نتیجه‌گیری و یا مقایسه‌ای صورت نگرفته است.

با تحلیل‌های فوق روشن شد که قربانی شدن داری شرایط و الگوی مختص به خود است که باید این الگوها و شرایط مؤثر بر آن به نحوی در اخبار روزنامه‌ها بیان شده و به تحلیل آن پرداخته شود، درحالی که ذهنیت مسلط بر مطبوعات و حتی نهادهای امنیتی و قضایی در کشور در طول سال‌های اخیر بیشتر محافظه‌کارانه، مجرم محور و متکی بر تنبیه و مجازات مجرمان بوده است. اگرچه با توجه به شرایط اجتماعی- سیاسی و جهت‌گیری‌های مندرج در سیاست‌های کلان کشور توجه به قربانیان جرایم و حمایت از این گروه بسیار محدود است، با وجود این، این مقاله امیدوار است بتواند زمینه‌های تغییر نگرش سیاست‌گذاران و تحلیل‌گران اجتماعی را در تبیین عوامل مؤثر بر وقوع جرم و قربانی شدن را فراهم کند.

منابع فارسی:

- دواس، دی، ای (۱۳۷۶). روش پیمایش در تحقیق اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشر نی.
- رابینگن، ارل و مارتین و اینبرگ. بی تا (۱۳۸۳). رویکردهای نظری هفتگانه در بررسی مسائل اجتماعی، ترجمه رحمت‌الله صدیق‌سروستانی، تهران: دانشگاه تهران.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۸۱). بزه‌دیده در فرایند کیفری. تهران: خط سوم.
- (۱۳۸۴). بزه‌دیده‌شناسی حمایتی، تهران: نشر دادگستر.
- رایف، دانیل؛ استفن لیس، و فردریک جی. فیکو (۱۳۸۱). تحلیل پیام‌های رسانه‌ای: کاربرد تحلیل محتوای کمی در تحقیق، ترجمه مهدخت بروجردی علوی. تهران: سروش.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سفرچی تیل، زین‌العابدین (۱۳۸۷). مطالعه قربانی‌شناختی قتل‌های سریالی پاکدشت، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جامعه‌شناسی (عدم انتشار)، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- صادقی، سهیلا (۱۳۸۳). جزوه کلاسی درس آسیب‌شناسی اجتماعی. بخش قربانی‌شناسی.
- صدیق‌سروستانی، رحمت‌الله (۱۳۸۳). آسیب‌شناسی اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران.
- فتاح، عزت (۱۳۸۴). هم‌پوشانی اعمال عدالت با تشفی خاطر قربانی. ویراستاران: هنریم و مالک مالچ نیکل. جرم، بزه‌دیدگان و عدالت مقالاتی در مورد اصول و رویه. مترجم: هادی جلیلی. تهران: نشر نی.

- فرجیها، محمد (۱۳۸۵). «بازتاب رسانه‌های جرم». رفاه اجتماعی، ۶(۲۲): ۵۷-۸۶.
- لپز، ژرار و فیلیزولا، ژینا (۱۳۷۹). بزه‌دیده و بزه‌دیده‌شناسی. ترجمه روح‌الدین کرد علیوند و احمد محمدی، تهران: مجمع علمی فرهنگی مجد.
- وایت، راب و هاینس، فیونا (۱۳۸۲). درآمدی بر جرم و جرم‌شناسی. ترجمه: میر روح الله صدیق بطحایی اصل، تهران: نشر دادگستر.

انگلیسی

- Amir, M. (1971) *Patterns in Forcible Rape*, Chicago: University of Chicago Press.
- Cohen, L. E., and Felson, M. (1979) "Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activities Approach", *American Sociological Review* 44.
- Fattah, A. (2000) *Victimology: Past, Present and Future*. *Criminologie*, vol. 33, n, 1. Professor Emeritus School of Criminology Simon Fraser University, Canada.
- Karmen, A. (1990) *Crime Victims: An Introduction to Victimology*, (2nd edition). Monterey, CA: Brooks/ Cole.
- Maguire, Mike; Morgan, Rod; Reiner, Robert (2007) *The Oxford Handbook of Criminology*, Oxford University Press.
- Matthews, R. and Young, J. (1992) "Reflection on Realism", in J. Young and R. Matthews (eds) *Rethinking Criminology: The Realist debate*, London: Sage.
- Miers, D. (1989) "Positivist Victimology: A critique", *International Review of Victimology*, vol. 1.

- Spalek, B. (2006) Crime Victims, Newyork, Palgrave Macmillan.
- Von Henting, H. (1948). " Remarks on the Interaction of Perpetrator and Victim", Journal of Criminal Law and Criminology 31.
- Walkalate, S. (1989) Victimology: the Victim and Criminal Justice Process, Londen: Unwin.
- Wolfgang, M.E (1958) Patterns in Criminal Homicide, Philadelphia: University of Pennsylvania Press.